

# غدیر خون

گزارشی از حمله عثمانی‌ها به کربلا در سال ۱۲۵۸ قمری

محمد حسین خوشنویس

## چکیده

گویی نام کربلا با خون نوشته شده و سرنوشت این شهر با خون عجین است. این شهر از عاشورای سال ۶۱ هجری تاکنون، سه حادثه خونین را پشت سر گذاشته است؛ یک بار در سال ۸۵۸ قمری به دست شخصی سنگدل و خونریز به نام «مولا مشعشی» که ادعای خدایی داشت. دیگر بار در حمله وهابی‌ها در سال ۱۲۱۶ قمری و بار سوم در ذی‌الحجه سال ۱۲۵۸ قمری، در دوره حاکمیت سلطان عبدالمجید عثمانی به دست محمد نجیب پاشا، والی وقت عراق. این مقاله ضمن بیان دلیل محاصره و حمله سپاهیان نجیب پاشا به کربلا و شرح جنایت‌ها و کشتار سپاهیان در این شهر، ماجرا را از قول چند شاهد عینی که در کتاب‌های معتبر ذکر شده، بیان می‌کند و در پایان، پیامدهای این واقعه که آن را «غدیر خون» نامیده، بیان می‌دارد.

واژگان کلیدی: کربلا، محمد نجیب پاشا، غدیر خون، عثمانی، عراق.

### مقدمه

پس از عاشورای سال ۶۱ قمری، فجایع خونبار فراوانی در عراق به وقوع پیوست که در این میان، سه حادثه، بسیار تکان دهنده بوده‌اند؛ حادثه اول به دست شخصی سنگ دل و خون ریز، به نام «مولا مشعشعی» به وقوع پیوست که ادعای خدایی داشت. او در سال ۸۵۸ قمری اشخاص بسیاری را در نجف اشرف به شهادت رساند و خانه‌هایشان را تخریب و اموالشان را غارت کرد.

کشتار دوم در سال ۱۲۱۶ قمری با حمله وهابی‌ها صورت گرفت. اینان بین سال‌های ۱۲۰۵ تا ۱۲۲۰ قمری بیش از پنجاه جنگ خرد و کلان با مسلمین داشته‌اند. فاجعه سوم که این مقاله به گزارش مختصر از آن پرداخته، توسط عثمانی‌ها در ذی الحجّه سال ۱۲۵۸ قمری، در دوره حاکمیت سی و یکمین سلطان عثمانی، عبدالمجید، با به شهادت رساندن چند هزار مرد و زن و کودک، رقم خورد.<sup>۱</sup>

قدرت روز افزون شیعیان در کربلا، باعث شد تا آنان خود را مستقل از حکومت بدانند. علی رضا پاشا، والی وقت عراق نیز که از سال ۱۲۴۷ قمری این سمت به او واگذار شده بود، شخصی مسامحه کار بود و بر مردم کربلا آسان گرفته بود و در نتیجه، در غیاب حاکمیت، افرادی از خلا قدرت، سوء استفاده کردند و گروهی را به نام عیار، تشکیل دادند.

برخی از اوباش نیز زیر پرچم عیاران به باج‌گیری و دزدی روی آوردند. در این میان، فراریان ارتش عراق و برخی از مجرمان و قانون‌گریزان نیز فرصت را غنیمت شمرده، دست به شورش و اغتشاش زدند.<sup>۲</sup>

این نابسامانی موجب ناراحتی مردم از حکومت عثمانی شده بود؛ به طوری که دیگر نام سلطان عثمانی در خطبه‌های جمعه برده نمی‌شد و دستورات و فرامین حکومت مرکزی، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت. و سرانجام، شیعیان بر ضد دولت عثمانی، دست به قیام زدند و می‌رفت که این آتش زیر خاکستر، به آتشی خانمان سوز مبدل شود.

همچنین درگیری‌های شیعیان و فرقه گرایان شیخی<sup>۳</sup> مسلک در کربلا، با نقشه انگلیس و برخی عوامل نفوذی شیخی، روز افزون شده بود و به نوبه خود، به التهاب و در نتیجه، نگرانی حکومت می‌افروزد.

علی رضا پاشا از سوی حکومت مرکزی، مأموریت یافت تا برای بررسی اوضاع، به کربلا برود؛ اما مردم مانع ورود او به شهر شدند و او نیز به زور متوسل نشد و در پشت دروازه شهر، پس از انتصاب حاکم محلی و متولی حرم‌های مطهر، بازگشت.

تداوم این ناآرامی‌ها، حکومت عثمانی را بر آن داشت تا علی رضا پاشا را با سه هزار سرباز، به سوی کربلا بفرستد. آنان شهر را محاصره کردند؛ اما این محاصره به حمله منتهی نشد و علی رضا پاشا، بدون موفقیت و با قبول پیشنهاد مردم نسبت به پرداخت مالیات بیشتر، به بغداد بازگشت.

حکومت عثمانی فهمید که علی رضا پاشا از عهده حل مشکل کربلا بر نمی‌آید و به همین دلیل، او را از ولایت عراق خلع کرد و در سال ۱۲۵۸ قمری، محمد نجیب پاشا را که پیش از آن والی شام و به خشونت مشهور بود، به جایش منصوب کرد.

درگی‌ری‌های شیعیان و فرقه گرایان شیخی مسلک در کربلا، با نقشه انگلیس و برخی عوامل نفوذی شیخی، روز افزون شده بود و به نوبه خود، به التهاب و در نتیجه، نگرانی حکومت می‌افروزد.

در همان ابتدا، موافقت با درخواست نجیب پاشا برای ورود به شهر کربلا، از سوی مردم، مشروط به عدم ورود سپاه و نظامیان شد.

والی جدید عراق که توقع چنین برخوردی را نداشت، دستور محاصره کربلا را صادر کرد و در بیانیهای، فرصت یک ماهه‌ای به مردم داد؛ تا تسلیم خواسته‌هایش شوند.

این مهلت، به پایان رسید؛ اما مردم تسلیم نشدند.

نجیب پاشا اعلام کرد که اگر مردم دروازه شهر را باز نکنند، او به زور وارد خواهد شد. در پی این اتفاقات، سید کاظم رشتی<sup>۴</sup> به همراه شاهزاده قاجاری، ظل السلطان به اردوگاه نجیب پاشا رفتند؛ اما تلاش‌های مصرانه این دو، سودی نبخشید. نجیب پاشا اعلام کرد که با مردم کاری ندارد و مردم باید سرنوشت خود را از یاغیان جدا کنند و قول داد که پناهندگان به حرم امام حسین و ابوالفضل العباس علیهما السلام و حاضران در خانه سید کاظم رشتی و ظل السلطان، در امان باشند.<sup>۵</sup>

### محاصره و حمله به کربلا

نجیب پاشا برای فرماندهی سپاه برای حمله به شهر، «نعمان بغدادی ویسی زاده» را انتخاب کرد؛ کسی که از قتل و غارت و تجاوز، باکی نداشت.<sup>۶</sup>

نعمان به دستور نجیب پاشا، قبل از ورود به کربلا، مدت بیست و سه روز، شهر را محاصره کرد و از رسیدن مواد غذایی به شهر، جلوگیری کرد و در این مدت نیز گاهی شهر را آماج توپخانه سنگین قرار می‌داد.<sup>۷</sup>

سرانجام، سربازان عثمانی در روز سیزدهم نوامبر سال ۱۸۴۳ میلادی با ایجاد روزنه‌ای در ضلع شرقی حصار شهر، وارد شهر شدند و جنایت بزرگی را رقم زدند و اعلام کردند که برای سر هر یاغی، ۱۵۰ پیاستر (واحد پول عثمانی) جایزه می‌دهند.<sup>۸</sup>

خانه سید کاظم رشتی، مورد تعرض قرار نگرفت؛ اما حرم‌های مطهر در معرض حمله و اهانت واقع شدند و بخش‌هایی از آنها تخریب شدند و اشیای قیمتی آنها به غارت برده شدند.

سربازان، سوار بر مرکب، وارد صحن‌ها و گاهی روضه منوره می‌شدند و مردم را مورد ضرب و جرح قرار می‌دادند. رفتار خشن و توهین آمیز سربازان نجیب پاشا، باعث شد تا مردم از وی به عنوان «یزید پاشا» نام ببرند.<sup>۹</sup>

عثمانی‌ها در سطح شهر، افراد بسیاری را کشتند. علامه امینی در کتاب «شهدای راه فضیلت» از قول چند شاهد عینی چنین می‌نویسد:

«بعد از خروج سپاه عثمانی از کربلا، در سوال و جوابی با قبرکن‌ها، فهمیدیم که آمار کشته‌ها به ده هزار نیز می‌رسد. آنها می‌گفتند که گاهی مجبور شده‌اند در یک قبر، چهار یا پنج و گاهی ده پیکر را به خاک بسپارند و نزدیک سی صد جسد نیز در سرداب حرم ابوالفضل العباس علیه السلام یافت شد.»<sup>۱</sup>

#### روایت شیخ محمد حسین کاشف الغطاء

کلید دار حرم امام حسین علیه السلام، سید وهاب آل طعمه، با شنیدن خبر ورود نجیب پاشا به کربلا، فرار کرد و شخصی به نام سید مهدی آل طعمه، به سرعت به استقبال نجیب پاشا آمد و با لحنی خاضعانه گفت:

«ای سرور! ما هیچ گاه از اطاعت شما غافل نبوده ایم و از فرامین شما سرپیچی نکرده ایم و میان مردم، اختلاف افکنی نکرده ایم. ما را به جرمی که دیگران مرتکب شدند، مجازا مکن.»

نجیب پاشا به حالتی تحقیر آمیز و با بی تفاوتی، از کنار سید مهدی گذشت. فردای آن روز، نجیب پاشا سوار بر اسب، وارد صحن مطهر حسینی شد و این بار سید کاظم رشتی نیز او را همراهی می‌کرد. این بار نیز سید مهدی با حالتی از ترس و قرآن به دست و همراه تنی چند از خادمان حرم، نزد نجیب پاشا آمد و دم اسب وی را بوسه زد. نجیب پاشا از اسب پیاده شد و وارد روضه منوره شد

◆ نعمان به دستور نجیب پاشا، قبل از ورود به کربلا، مدت بیست و سه روز، شهر را محاصره کرد و از رسی‌دن مواد غذایی به شهر، جلوگیری کرد و در این مدت نیز گاهی شهر را آماج توپخانه سنگین قرار می‌داد.

◆ «بعد از خروج سپاه عثمانی از کربلا، در سوال و جوابی با قبرکن‌ها، فهمیدیم که آمار کشته‌ها به ده هزار نیز می‌رسد. آنها می‌گفتند که گاهی مجبور شده‌اند در یک قبر، چهار یا پنج و گاهی ده پیکر را به خاک بسپارند و نزدیکی صد جسد نیز در سرداب حرم ابوالفضل العباس علیه السلام یافت شد.»

و پس از گذشت لحظاتی برگشت و خطاب به سید مهدی فریاد کشید: کلید دار کجاست؟ سید مهدی پاسخ داد: فرار کرده است. نجیب پاشا نیز بی درنگ کلید دار فراری را عزل و سید مهدی را به جایش منصوب کرد.<sup>۱۱</sup>

سید مهدی از سال ۱۲۵۸ تا ۱۲۷۲ قمری، عهده دار این منصب بود. محمد کریم خان، رئیس شیخی‌ها در کرمان که پس از سید کاظم رشتی به ریاست شیخیه رسید، در تحلیلی تأمل برانگیز می‌نویسد:

«علت حمله نجیب پاشا به کربلا، این بود که مردم شیعه این شهر، خاطر سید کاظم را رنجانده بودند؛ آن هم تنها به این دلیل که افکار او را مغایر اندیشه خود می‌پنداشتند. نحوه تعامل علمای شیعه با سید، آن هم در یک سال پایانی عمرش، خدا را به خشم آورد و ائمه طاهرین را به انتقام از شیعه وا داشت؛ آن هم توسط غداری همچون نجیب پاشا... بی دلیل نبود که سپاهش کربلا را محاصره کردند و قریب سی هزار توپ جنگی به طرف آنها رها نمودند و قسمت بیشتر کربلا تخریب شد. این فضیلتی روشن و نشانه‌ای واضح بر جلالت و عظمت شان و رتبه سید بود و ائمه علیهم‌السلام می‌خواستند به این وسیله، این کرامت از آن سید عالی‌مقدار، بروز کند».<sup>۱۲</sup>

این در حالی است که کاظم رشتی به مرحوم نجفی، صاحب جواهر، جسارت کرده و فقهای شیعه را بسیار مذمت می‌کرد و به ایشان دشنام می‌داد. کتاب «دلیل المتحرین» سید کاظم رشتی، پر از توهین و ناسزا به عالمان شیعه است؛ تا جایی که به قول یکی از بزرگان، مناسب بود نام این رساله، «رساله شتمیه» گذاشته شود.<sup>۱۳</sup>

### نتایج و پیامدهای غدیر خون

دولت عثمانی پس از واقعه غدیر خون، به جای عذر خواهی، سیاست سخت‌گیرانه‌ای نسبت به مردم کربلا اعمال کرد و مالیات ناوایی‌ها را بیست درصد و مالیات حمام‌های عمومی را چهل درصد، افزایش داد و حتی نماینده‌ای از طرف دولت بر حسن اجرای این دستورات، منصوب کرد.<sup>۱۴</sup>

شیخ حسن فرطوسی<sup>۱۵</sup> به همراه شیخ حسن کاشف الغطاء، در راس هیئتی از علما، برای گفت و گو با نجیب پاشا به کربلا رفتند؛ تا مانع ادامه سخت گیری‌ها بر مردم شوند.<sup>۱۶</sup>

در گزارش کلنل فارین، نماینده ویژه روسیه، آمار کشته‌ها پنج هزار تن ذکر شده بود. در میان کشته‌ها سه هندی، بیست پاکستانی و یک روسی وجود داشت؛ اما در گزارش نامق پاشا، نماینده دولت عثمانی آمده بود که حدود ۶۵۰ نفر کشته شدند که ۴۰۰ تن از ایشان از سربازان عثمانی‌اند.<sup>۱۷</sup>

در پی حمله نجیب پاشا به کربلا، دولت ایران، میرزا جعفر خان مشیرالدوله، سفیرش در استانبول را به دلیل اهمال کاری در دفاع از شیعیان کربلا، فرا خواند.<sup>۱۸</sup> برخی منابع، آمار کشته‌های حادثه غدیر خون را فراتر از بیست هزار ذکر کرده‌اند.<sup>۱۹</sup>

نجیب پاشا طی گزارشی تاکید کرد که همه این اقدامات جنایت گرانه، با دستور صدر اعظم عثمانی صورت گرفته است.<sup>۲۰</sup>

در پایان سرکوب قیام شیعیان، ۳۰ نفر و به روایتی ۵۰ یا ۶۰ نفر از ایرانیان مقیم کربلا به دستور نجیب پاشا به استانبول انتقال داده شدند و همگی اعدام شدند.<sup>۲۱</sup>

در پی حمله عثمانی‌ها به کربلا، مذاکرات مفصلی میان ایران و عثمانی از طریق مکاتبه، برای پایان دادن به این جنایت، صورت گرفت؛ ولی نتایجی در بر نداشت و به همین دلیل، نیروهای ایرانی، منطقه سرپل زهاب را که در

در گزارش کلنل فارین، نماینده ویژه روسیه، آمار کشته‌ها پنج هزار تن ذکر شده بود. در میان کشته‌ها سه هندی، بیست پاکستانی و یک روسی وجود داشت؛ اما در گزارش نامق پاشا، نماینده دولت عثمانی آمده بود که حدود ۶۵۰ نفر کشته شدند که ۴۰۰ تن از ایشان از سربازان عثمانی‌اند.

تصرف عثمانی بود، تصرف کردند. پس از این حادثه، مذاکرات معروف «ارزروم»، میان ایران و عثمانی آغاز شد. یکی از موضوعات مهم این مذاکرات که توسط «میرزا تقی خان امیر نظام»، نماینده ایران، ارائه شد، تامین امنیت شیعیان کربلا و جبران خسارت‌های وارده از جانب دولت عثمانی بود.<sup>۲۲</sup>

نجیب پاشا برای پیش‌گیری از تکرار وقایع کربلا در نجف اشرف، وارد نجف شد و برای تسلیم مردم در برابر خواسته‌هایش، با علمای نجف به گفت‌وگو پرداخت.<sup>۲۳</sup> مه‌اراجه منطقه اوره هند، محمد علی بن سلطان ماجد علی شاه، پس از تعرض و خسارات وارده به حرم حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) توسط قوای عثمانی، اقدام به بازسازی این حرم مطهر کرد.<sup>۲۴</sup>

پس از فروپاشی آتش‌فتنه، نجیب پاشا، یک حاکم محلی، یک قاضی و یک خطیب جمعه، برای کربلا منصوب کرد و به خطیب جمعه سفارش کرد که در خطبه‌های نماز جمعه برای سلطان و دولت عثمانی، دعا کند.<sup>۲۵</sup>

پس از این حادثه، دو تن از علمای شیعه تبعید شدند؛ سید ابراهیم قزوینی<sup>۲۶</sup> به بغداد و میرزا صالح داماد<sup>۲۷</sup> (عرب) به کرکوک، تبعید شد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. عبدالحسین امینی، شهداء الفضیلة، ص ۳۰۶
۲. محمد بن خاوند شاه بلخی، روضه الصفا، ج ۱۰، ص ۲۶۵.
۳. به پروان شیخ احمد احسائی پایه گذار این فرقه، شیخی اطلاق می‌شود. شیخ احمد، عقاید خاصی در باب اصول و فروع دین و مقوله‌هایی همچون معراج داشت که مورد پذیرش علمای شیعه قرار نگرفت.
۴. سید کاظم رشتی (۱۲۱۲ - ۱۲۵۹ ق.) از شاگردان شیخ احمد احسائی بود و پس از وی به ریاست این فرقه رسید.
۵. جان گول، مکان‌های مقدس و جنگ‌های مذهبی (سیاست، فرهنگ و تاریخ شیعه)، ص ۵۶.
۶. فوام افرام بستانی، تاریخ نجف اشرف، ج ۲، ص ۴۷۸
۷. ادوین بلک وایلی، سیود جویی از عراق، نگاهی به تاریخ هفت هزار ساله جنگ و سود در عراق، ص ۶۹.
۸. تاریخ نجف اشرف، ج ۲، ص ۴۷۸.
۹. شهداء الفضیلة، ص ۳۰۷
۱۰. محمد حسین کاشف الغطاء، عبقات العنبرية فی الطبقات الجعفرية، ص ۱۰۷.
۱۱. محمد کریم خان کرمانی، هدایة الطالبین، ص ۱۵۲ تا ۱۵۵.
۱۲. تنکابنی، قصص العلماء، ص ۵۶ و ۵۸
۱۳. اوژن اوبن، ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، ص ۳۹۹.
۱۴. شیخ حسن فرطوسی، شاگرد شیخ انصاری بود. او از اندیشمندانی بود که کمتر دست به تالیف و نگارش زده بود و اثر معروف وی، شرح شرائع الاسلام بوده است.
۱۵. مسلمی عقیلی، تاریخ نجف اشرف، ج ۲، ص ۴۴۹.
۱۶. عبدالحسین آل طعمه، بغیة النبلاء فی تاریخ کربلا، ص ۱۲۱.
۱۷. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۲۵۸.
۱۸. احمد خان ملک، سیاستگزاران دوره قاجار، به کوشش سید مرتضی آل داوود، ص ۳۴۳.
۱۹. علی موجانی، بازسازی تاریخ فراموش شده، ص ۱۵۲.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. آل محبویه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲۳. سلمان‌هادی آل طعمه، کربلا و حرم‌های مطهر، ترجمه حسین صابری، ص ۱۱۰.
۲۴. همان، ص ۹۷؛ تاریخ العراق بین الاحتلالین، ج ۶، ص ۲۳۹.
۲۵. از شاگردان سید علی طباطبایی صاحب ریاض و متوفای ۱۲۶۲ قمری.
۲۶. سید صالح حائری، مشهور به سید صالح عرب بود و پدرش، داماد سید علی طباطبایی. وی در قرائت قرآن و امر به معروف و نهی از منکر، بسیار جدی بود (طبقات فقهاء، ج ۱۴، ص ۷۳۵).
۲۷. عباس عزاوی، تاریخ عراق بین دو اشغال، ج ۶، ص ۲۵۰.